

تاریخ نهضت جدیدیه در ترکستان اوایل قرن بیستم

نویسنده:

دلارام علیم آوا - سیداکبر اعظم خجایف^۱

بررسی و مطالعه در تاریخ تحولات آسیای مرکزی پس از فروپاشی نظام اتحاد جماهیر شوروی سابق از ضرورت‌های تحقیقاتی مراکز مطالعاتی می‌باشد. این ضرورت از این نظر اهمیت ویژه‌ای می‌یابد که کشورهای تازه به استقلال رسیده در آسیای مرکزی هویت قدیمی و کهن خود را باز می‌یابند و مطالعه تحولات سیاسی و اجتماعی یکصدسال اخیر به منظور عاملی برای بازگشت به خویشن و آشنایی با هویت ملی و تاریخی خود از سوی این کشورها می‌باشد. در این میان بررسی نهضت جدیدیه که در اوایل قرن بیستم نقش بسزایی در وقایع و حوادث اجتماعی، سیاسی و فرهنگ آسیای مرکزی داشته است بسیار مهم است. عوامل بروز و ظهور این نهضت و شخصیت‌های علمی و دینی که از سردمداران آن به شمار می‌رفتند چه کسانی بودند و چه ویژگی‌ها و وابستگی‌هایی داشتند و سرنوشت آنها چه شد و چرا اکنون در جوامع روشنفکری مطرح می‌شوند. اینها نمونه‌ای از سؤالاتی است که محقق را به دست یافتن به آن وامی‌دارد.

مقدمه

ازبکستان از زمانی که در راه توسعه مستقل قرار گرفته است علایق شدید جوامع جهت درک و شناخت مبانی مبارزه طولانی مردم این سرزمین در راه آزادی و استقلال و آشنایی با تاریخ شکل‌یابی ایدئولوژی نهضت آزادیبخش ملی را برانگیخته است و به‌عنوان یک عامل مهم زمینه‌های پیشرفت کنونی در راستای استقلال کشور را فراهم نموده است، طی حکمفرمایی چند ده ساله شوروی قهرمانانه‌ترین صفحه‌های مبارزه مردم آسیای مرکزی یا به فراموشی سپرده می‌شد و یا در تشریح آنها تقلب عمدی صورت می‌گرفت، امروز که در

۱. خانم دلارام علیم آوا و سیداکبر اعظم خجایف دارای دکترا در رشته تاریخ و اهل ازبکستان هستند.

شرایط تحولات ریشه‌ای به سر می‌بریم و از امکان احیای واقعیات تاریخی برخوردار هستیم ضرورتی به وجود آمد تا هم در دستورهای مربوط به شرح نقش و موقعیت نهضت آزادیبخش ملی و هم بعضی از جناحهای اجتماعی و سیاسی آن تجدیدنظرهای قاطع انجام گیرد. همان‌طوری که تجربه تاریخی نشان می‌دهد نهضت جدیدیه یکی از جناحهای برجسته اجتماعی و اقتصادی بود که در رشد خودآگاهی ملی مؤثر بوده و در توسعه ایدئولوژی آزادیبخش ملی نقش مهم داشته است.

البته نهضت جدیدیه آسیای مرکزی تماماً همگون نبوده و جدیدی‌های ترکستان و بخارا و خیه مظهر مکتبهای عمده بودند. آنها موقعیت اجتماعی و اقتصادی و سیاست دولت و مردم کشورهای این منطقه را هدف فعالیت خود قرار داده بودند با این حال آنها نه فقط به لحاظ ایدئولوژیک بلکه عملاً نیز با هم متحد شده و فعالیت خود را هماهنگ می‌ساختند به‌طور کلی نهضت جدیدیه در این منطقه یک راه پیچیده‌ای را طی کرد و در سیر رشد از یک نهضت روشنگرانه به یک نهضت قدرتمند سیاسی تبدیل گردید. وضع دشوار اقتصادی توده‌های وسیع که تحت ستم دوگانه مستعمره‌جویان امپراتوری روسیه و استکبار محلی قرار داشته‌اند و عقب‌ماندگی مخاطره‌آمیز آنها نسبت به کشورهای پیشرفته اقتصادی جهان و قهقرای فرهنگی و رکود فکری جدیدی‌ها را به جستجوی وسایل مؤثر تسریع رشد اجتماعی وامی‌داشت در چنین شرایط روشنفکران پیشرفته مسلمان دلیل عمده ستم اجتماعی و مستعمراتی و عقب‌ماندگی کشور را در جهالت و بی‌فرهنگی مردم دیدند که در محافل حاکم تلاش برنادریده گرفتن آن داشته‌اند. در نتیجه در مرحله اول جدیدی‌ها توجه خود را به مسئله اصلاح آموزش متمرکز ساختند. آنها ضرورت انجام چنین اصلاحات را نه فقط از لحاظ نظری ثابت کردند؛ بلکه در اجرای آن تلاش بسیار به کار برده مدارس با روشهای جدید و کتابخانه و قرائت‌خانه‌هایی تأسیس نموده و کتب درسی جدید تألیف کردند. بنابه اطلاعات اخیر اولین مدرسه جدیدیه در سال ۱۸۹۸ در شهر خوقند از طرف صلاح‌الدین دامله تأسیس شد و در سال ۱۸۹۹ منان قازی در تاشکند و شمس‌الدین دامله در اندیجان از او پیروی کردند. ولی اعتراف کلی این است که اولین گروههای جدیدیه در اوایل قرن بیستم در ترکستان و بخارا به وجود آمدند. منورقاری عبدالرشیدخان اوغلی، محمد خواجه بهبودی عبدالله اولایی،

صدرالدین عیسی، فیض‌الله خواجه‌اف، تاشپولات ناربوت‌اف و عبدالرئوف فطرت و سایرین که هسته اصلی روشنفکران ملی را تشکیل می‌دادند نمایندگان برجسته نهضت موردنظر می‌باشند محمود خواجه‌بهبودی که به‌عنوان پدر جدیدیه شناخته شده است در تقویت جدیدیه ترکستان نقش بسزایفا کرده است.

ضمن تأیید خصلت روشنگرای مرحله نخست نهضت جدیدیه باید تأکید کرد که این نهضت همانند نارودنیکهای روسیه (خلق‌گرایان) یک اقدام ضد فرهنگی نبود. ایدئولوژی روشنگری جدیدی‌ها از لحاظ اجتماعی به حدی غنی‌تر و کثیرالجوانب بود، در ایدئولوژی جدیدی‌ها وظایف تاریخی مانند درک سالم نقش مذهب و دین در تکامل معنوی و فعالیت نمودن جریانهای شکل‌گیری محیط بازار و پیدایش سازمانهای متمدن دموکراسی و توسعه ملی منعکس شده است. شرط اصلی اجرای برنامه‌های جدیدیه آن بود که بایستی به دستاوردهای علوم و تکنولوژی پیشرفته دسترسی داشت. برقراری روابط بین‌المللی به آنها کمک کرد تا با برنامه‌های جدیدیه روسیه و ترکیه و مصر آشنا شوند. به‌طور مثال عبدالرشید ابراهیم‌اف عضو دفتر کمیته مرکزی اتحادیه مسلمانان روسیه در سال ۱۹۰۵ به شهر تاشکند آمده و کارهای مربوطه را انجام داد. اسماعیل گاسپیرینسکی بنیانگذار نهضت جدیدیه و دوست و استاد بهبودی در سال ۱۹۰۸ قبل از عزیمت به قاهره به ترکستان آمد و با فعالیت مدارس روش جدید سمرقند آشنا شد. فرهنگ‌پروران ضمن درک این مطلب که تا مردم روشن نشوند و توده‌های وسیع با دستاوردهای فرهنگ جهانی آشنا نشوند نمی‌توان در ترکستان به پیشرفت مؤثر نایل آمد به حق بر این باور بودند که آزادی معنوی باید همراه با بهبود شرایط اجتماعی زندگی و رهایی از ظلم، استعمار و نجات از وابستگی باشد. آنها در رساله‌های خود از زمامداران انتقاد می‌کردند و عدم اجرای قانون و رشوه‌خواری و گرفتن مالیات هنگفت را که از پدیده‌های استکباری است اقصاء می‌ساختند، جدیدی‌ها سیستم استعماری انتخابات دستگاههای اداری محلی در ترکستان را محکوم و علیه سیاست مالیات تزاری اعتراض می‌کردند.^۱

۱. بهبودی، ما نیاز به اصلاح داریم (نجات ۱۹۱۷ شماره ۲۸ مورخ ۷ نوامبر) از همان نویسنده حق را نمی‌دهند بلکه می‌گیرند (حریت ۱۹۱۷ شماره ۲۲ مورخ ۱۳ ژوئیه) خجیف مقامهای مختلف (صدای ترکستان ۱۹۱۵، شماره ۵۸، مورخ ۲ فوریه و سایر مقالات).

در واقع بسیاری از تحولات اجتماعی در ایدئولوژی جدیدیه شکل گرفت و براین اساس روشنفکران فواین استکباری فئودالی وضع موجود مستعمرات را محکوم و از آن انتقاد و نظریه غیرقانونی بودن حاکمیت مستکبرین را مطرح می نمودند. این امر یک گام مهم در راه شکل یابی نظریه استقلال ملی بود. از سوی دیگر بنیانگذاران نهضت جدیدیه تسریع جریانهای تاریخی را در ارتباط با توسعه اسلام و پیدایش زمینه های اجتماعی و اقتصادی تشکیل جامعه متمدن بازار می دانستند.

تفاوت جدیدی ها با بسیاری از روشنفکران اروپا و روسیه این بود که آنها دین را رد نکرده اند و ملحد (آتئیست) نبودند. برعکس آنها همانگونه که در حال حاضر ادراک می شود از حفظ اسلام به عنوان وسیله ای در جهت آموزش و تربیت مردم این سرزمین در قالب روحیه و اخلاق عالی و میهن پرستی و دوستی و همبستگی و عامل متحد نمودن تلاشهای آنها در مبارزه جهت رفع وضعیت بحرانی جانب داری می کردند.

رساله های همنام دوتن از بانیان جدیدیه یعنی فطرت و بهبودی تحت عنوان «تاریخ مختصر اسلام» که در دوران شکل یابی نهضت جدیدیه تألیف شده است نشانگر واضح برخورد جدیدی ها نسبت به دین است. در ماهیت امر در آن رساله ها راه طی شده به طور مفصل تحلیل شده بود که جهت تشخیص دورتمای توسعه بعدی مهم و ضروری بود.

از جمله فطرت تأکید می کند که دنیا از اول آفرینش خود از طرف به اصطلاح ایده زندگی، تا آغاز دوران محمد (ص) یک دنیایی بود که در آن ادیان مختلف به طور غیر منظم تعویض می شدند و هرج و مرج و جنگها و برادرکشی ها و فساد رونق داشت، خداوند از طریق رسول خود دین واقعی را نازل نمود و اسلام تفرقه بین مردم را رفع نمود و عصر شکوفایی و ترقی آغاز گردید، مسلمانان برای جهان نوآوری های علمی زیادی را به ارمغان آوردند و برای اروپایی ها ارزشهای ذهنی را که خود آنها ایجاد نموده بودند محفوظ نگه داشتند؛ ولی حرص و طمع که به صورت فراموش نمودن آرمانهای اصلی و پیروی از مادیات و پول ظهور یافت پیروان اسلام را به نابودی کشانید. امپراتوری آنها (خلافت) دستخوش مجادله و جنگهای داخلی شده و استعمارگران کشورهای غارت شده را به آسانی زیر تسلط خود درآوردند.^۱

۱. مختصر تاریخ اسلام (مجله سیرلی علم سان ۱۹۹۲ شماره ۳، ص ۴) در کتابخانه خاورشناسی لنینگراد نگهداری می شود.



تاریخ نهضت جدیدیه در ترکستان اوایل قرن بیستم

بهبودی توجه خود را در فلسفه اسلام متمرکز ساخته است چونکه آن را مظهر جهان بینی مسلمانان می دانست. بهبودی تأکید کرده است که زمانی فلاسفه اسلام افکار افلاطون و ارسطو را برای اروپا مفید دانسته و شرایطی برای احیای سنتهای باستانی و رهایی از پوچی گرای را فراهم کرده بودند. به نظر وی حالا دیگر نوبت با فلسفه اسلام است که از خدمات اروپایی ها استفاده نماید. وی نوشته است باید هر چیز جدیدی را که همسایه دارد از جمله پوزیتیویسم^۱ که در تألیفات آگوست کنت مشاهده شده و متوجه احساسات انسان و قبل از همه متوجه نیازهای انسان است را فرا گرفت. جدیدی ها راه کنونی اسلام را در آن می دیدند که باید به دستاوردهای علم و تکنولوژی متری در انطباق با توصیه های اولیه دین اسلام دست یافت و واقعیت های کنونی را در نظر داشت.

نهضت جدیدیه باعث شد تا سیستم های ایده ایستی به طور چشمگیر شکست خورده و تحصیلات جدید فعال شود. با این حال جدیدیه منعکس کننده منافع بورژوازی نوظهور و واقعیات مناسبات بازاری در حال شکل گیری بود، جدیدی ها ضمن جانب داری از اصلاح سیستم آموزشی سنتی و اعتراف نقش ویژه علوم (ریاضی، جغرافیا و صرف و نحو و غیره) در تسریع پیشرفت اجتماعی و اقتصادی و تشکیل مدارس روش جدید و گروه های تئاتر و مجاز شناختن استفاده از سرمایه بانکی و مالی از طرف مسلمانان، در قرآن و احادیث که مبانی اصلی اسلام است مفادی در تأیید نظریه های خود پیدا می کردند، بسیاری از نخستین رساله های جدیدی ها بر انطباق طبیعی نیازهای معنوی با تحولات اقتصادی دلالت می کند. به طور مثال، بهبودی در مجله آئینه که خود انتشار می داد آشکارا نوشته بود: شما عزیزان باید تلاش کنید تا به فرزندان خود دانش معاصر را آموزش دهید که آنها بخاطر دین و ملت خدمت خواهند کرد و خدمت بخاطر ملت و مذهب تنها به وسیله دانش و اقتصاد انجام پذیر است. وی معتقد بود که در شریعت مقرراتی هست که با سیاست روسیه و فرهنگ روس مطابقت نداشته، ولی در عین حال پاسخگوی مقتضیات مسلمانان می باشد. اینکه وی در قوانین اسلام شناخت کامل داشت بدو امکان می داد موارد نقص و تفسیر جعلی و منفعت طلبانه موازین

۱. مختصر تاریخ اسلام، سمرقند سال ۱۹۰۹، در انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم ازبکستان تحت شماره های ثبت ۷۲ و ۷۴ نگهداری می شود.



شریعت از طرف قضات را دقیق تشخیص دهد. بسیاری از مسلمانان به منظور اجتناب از ظلم قضات به سازمانهای دولتی روی می‌آوردند و این امر به نوبه خود سازمانهای دولتی را در وضعی دشوار قرار می‌داد.^۱

جدیدیه در حکم تکمیل مناسبات انسان با واقعیات و تنظیم روابط متقابل و رفتار انسانها بوده و مظهر نظریه‌های پیشرفته پویا و معنوی و اقتصادی بود. سیاست جدیدیه اوایل قرن بیستم از حقوق انسان در جهت تأمین شرعی آزادی بیان و مطبوعات و عقاید و مصونیت شخص دفاع می‌کرد.

... این ترتیب نهضت جدیدیه از ابتدای پیدایش با مبانی ریشه‌ای فتودانسیسم و نظام مستعمراتی علناً مقابله کرده و با محافظه‌کاری مخالفت ورزید و از راههای جدید و مترقی توسعه جامعه جانبداری کرد، اینکه نهضت مزبور آزادسازی بازار محلی از هرگونه راههای محدودکننده فعالیت را تقاضا می‌کرد ناگزیر وادار به اعلام شعارهای آزادی ملی و اجتماعی ساخت که شعارهای دعوت به تأسیس ارگانهای محلی خودگردان و مطبوعات ملی و حمایت از حقوق اهالی بومی در زمره شعارهای دست اوّل قرار گرفت.

جدیدی‌ها می‌خواستند که مردم با فرهنگ و روشنفکر شده و از بردگی و جهالت و نادانی‌های یابند. در همان اوایل پیدایش نهضت آنها راههای خود را جهت آگاه‌سازی مردم ترکستان با دستاوردهای تمدن جهانی ارائه کرده بودند این راه امتناع از ارزشهای معنوی ملی و مذهبی نبود و برعکس راه پاک شدن از دگم‌های قدیم و خرافات به وسیله تحولات بدون زورگویی و راه دستیابی به توسعه و ترقی آتی بود.

بدین ترتیب اکنون هرچه بیشتر آشکار می‌شود که نهضت جدیدیه در بین نیروهای سیاسی جامعه اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم ترکستان که به نحوی پیچیده درهم آمیخته بود، معرف مترقی‌ترین جناح بود. آن جناح متکی به ارزشهای انسان‌دوستانه و بین‌المللی شده و پاسخگوی مقتضیات توسعه اجتماعی و منافع اصلی مردم بومی این سرزمین بود.

تاشکند که مرکز اداری و فرهنگی منطقه آسیای مرکزی بود به مرکز تجمع

۱. آئینه سمرقند، ۱۹۱۴، شماره ۲۱، ص ۳۹۱.

تاریخ نهضت جدیدیه در ترکستان اوایل قرن بیستم

اصلاح طلبان تبدیل گشت. انقلاب اول روسیه در سال ۱۹۰۵ تلاشهای جدیدی‌ها را تاحد چشمگیر فعال‌تر ساخت، نهضت لیبرال و اصلاح طلب در بین شهرنشینان ترکستان توسعه یافت و در شهر تاشکند منور قاری عبدالرشیداف، عبدالله اولایی، اسماعیل عابداف و عیدالله خواجه‌اف و در شهر سمرقند بهبودی، حاجی معین، اکابیرشاه منصورزاده و سیداحمد حاجی صدیقی و در شهر نمنگان ناصرخان توره و در شهر خوقند عابدجان محموداف، آشورعلی ظاهری و پولات سالی‌اف نهضت را رهبری می‌کردند. نه فقط مدارس بلکه رونق امور چاپی از جمله تأسیس روزنامه‌های متعدد مهمترین نمودار نتایج فعالیت آنها به‌شمار می‌رود. به‌طور مثال در سال ۱۹۰۶ چاپ روزنامه ترقی آغاز گردید که دبیر آن اسماعیل عابداف بود (کابینه وزرای تاریخ تحلیل از مسائل سیاسی در مطبوعات را از چاپ اولین شماره همین روزنامه تعیین نموده است) و در سال ۱۹۰۶ روزنامه «خورشید» و در سالهای ۱۹۰۸-۱۹۰۷ به تصحیح و اهتمام منور قاری روزنامه «شهرت» انتشار یافت. در همان سال با مساعدت تاجری به نام سیدعظیم بای انتشار روزنامه «تجار» آغاز شد. بعداً روزنامه‌های «آسیا» سمرقند - صدای ترکستان - صدی فرغانه - ایل بیراگی - توران و مجله آئینه و سایر نشریه‌ها از زیر چاپ در آمد.

جدیدی‌ها وضع سیاسی ترکستان را چگونه ارزیابی کرده بودند؟ به‌عنوان مثال بهبودی عقیده داشت که رشد مردم نه تنها وابسته به روشنگری آنها دارد بلکه وابسته به تحولات ریشه‌ای در وضعیت سیاسی و کسب استقلال است. وی در بسیاری از مقالات خویش سیاست مستعمرایی تزاری روسیه را افشاء و از قوانینی که ظاهراً از منافع محلی حمایت می‌کرد ولی در اصل وضع آنها را مشکل‌تر می‌نمود انتقاد می‌ورزید.

ولی استقلال را نمی‌توان بدون مبارزه به‌دست آورد و جدیدی‌ها نیز معتقد به آن بودند. بهبودی تأکید می‌کرد که حق را باید گرفت آن را نمی‌دهند و همین عقیده خود را در مقاله همنام و در مقاله تحت عنوان «بیان حقیقت» مورد تأیید قرار داد.^۱ وی نوشته بود تاریخ شاهد موارد زیادی است که حق را باید تصاحب کرد. باید دانست که حق را به‌دست می‌آورند

۱. بهبودی، حق را می‌گیرند؛ نمی‌دهند (هوبت ۱۹۱۷، شماره ۲۲، ۱۳ ژوئیه) از همان نویسنده، بیان حقیقت (الغ ترکستان، ۱۹۱۷، ۱۲ ژوئن)

و آن را نمی‌دهند. مردم با هر ملیتی و هر کشوری حقوق دینی و سیاسی خود را از طریق عمل به دست می‌آورند. ما مسلمانان از جمله مسلمانان ترکستان نمی‌خواهیم که کسی به ما لطمه بزند و نسبت به دین ما فشار بیاورد و ما نیز فکر لطمه زدن به دیگران را نداریم.

مسائل سیاسی نزد جدیدی‌ها که نسبت به استیلای آسیای مرکزی از طرف روسیه نظر منفی داشته‌اند از مسائل عمده شمار می‌رفت. آنها غالباً به تحلیل مفصل جوانب منفی این واقعیت می‌پرداختند و بخوبی درک می‌کردند که ترکستان در حقیقت یک مستعمره است و سیستم اداری دستگاه روسیه پاسخگوی نیازهای ملی نمی‌باشد.

جدیدی‌ها با توجه خاصی جریانهای سیاسی در متروپل را تعقیب می‌کردند. برنامه‌های احزاب سیاسی را که در روسیه تأسیس می‌شد مطالعه می‌نمودند و با توجه به خصوصیات متعالی ملی و تمایل مردم از یک به صلح دوستی سعی کردند از طریق اقدامات صلح‌جویانه و تدوین عریضه‌های اجتماعی و انجام بحثهای علنی در مجلس و از طریق سایر ابزارهای علنی از دولت تزار برای خود امتیازات سیاسی کسب کنند و می‌خواستند در مرحله اول حداقل شرایط را برای توسعه ملی ترکستان فراهم نمایند. ولی برای ترکستانی‌ها داشتن نماینده خود در مجلس قطعاً منع شد این نهایت هتک حرمت و حیثیت مردم بود. همزمان با آن اظهارنظرهای سنجیده در خصوص مضر بودن ایده‌های پان‌ترکیسم و پان‌اسلامیسم به‌عنوان یک پدیده تهدیدکننده به مبانی دولت روسیه گسترش یافت. جدیدی‌ها در همان دوران به این نتیجه رسیده بودند که باید متحد شوند و این عقیده در رساله بهبودی که در روزنامه خورشید مورخ ۱۱ اکتبر سال ۱۹۰۶ درج شده بود ظهور یافت و وی در نظر داشت حزب واحد اسلامی تأسیس نموده و در اتحادیه مسلمانان روسیه عضویت پیدا کند. سالهای بین دو انقلاب روسیه (از انقلاب اول در سال ۱۹۰۵ تا انقلاب بورژوازی و دموکراتیک در ماه فوریه سال ۱۹۱۷) برای نهضت جدیدیه سالهای رشد کمی و سازمانی و سیاسی بود، نهضت جدیدیه به دنبال تعقیب‌های سیاسی جنبه غیرعلنی یافت. به‌طور مثال بنابه گزارش موجود در اداره پلیس تاشکند گروهی که بر آن معلمی بنام احمد جان‌اف سرپرستی می‌کرد به‌طور کلی متشکل از روشنفکران ملی و جوانان محصل بود.^۱ گروه غیرعلنی خوقند قریب ۵۰ نفر عضو

۱. آرشیو مرکزی دولت جمهوری ازبکستان فهرست ۳۱، پرونده شماره ۴۳۳، ورق ۲۷۴



تاریخ نهضت جدیدیه در ترکستان اوایل قرن بیستم

داشت جدیدی‌ها در اندیجان سازمان غیرعلنی به نام ترقی‌پرور را تأسیس کرده بودند که ینابه گزارشهای موجود نزد اداره پلیس، عبیدالله خواجه‌اف جدیدی معروف در ترکستان یکی از مسئولین آن سازمان بود.^۱ مأمورین اطلاعاتی تزار طی سالهای ۱۹۱۶-۱۹۰۹ چندین بار گزارش کرده بودند که بسیاری از مدرسان و آموزگاران مدارس در گردهمایی‌های خود اصلاح اداری کشور را تبلیغ می‌کنند.

انقلاب سال ۱۹۰۸ ترکیه و انقلاب سالهای ۱۹۱۱-۱۹۰۵ ایران که در آن نمایندگان روشنفکران ملی آن کشورها در راه محدود نمودن حاکمیت سلطنت وسیله قانون اساسی فراهم‌سازی شرایط لازم جهت تقویت قدرت اقتصادی بورژوازی ملی مبارزه کرده‌اند در نهضت جدیدیه تأثیر اساسی داشت. ولی جدیدی‌های ترکستان از تجارب ترکهای جوان و ترقی خواهان ایران به‌طور مکانیکی استفاده نکردند. جدیدی‌ها تجارب گسترده ساختار دولت و قوانین شرق و غرب و روش مبارزه علیه استعمارگران و جنبشهای دموکراتیک مردم روسیه و مشرق‌زمین فقط آنچه که برای شرایط موجود در این کشور مناسب تشخیص دادند انتخاب کردند و یا اینکه برخی از آن را با توجه به همان شرایط تغییر دادند.

جنگ جهانی اول باعث شد که طرز تفکر جدیدی‌ها قاطع تر گردد. در این دوران آنها راجع به سلطنت پارلمانی رساله‌هایی تألیف کردند و تلاش نمودند تا شکل شرکت اتباع در اداره دولت و تشکل ارگانهای دولت و فعالیت قانونگذاری را تدوین کنند، در مرحله آغاز انقلاب فوریه بخش رادیکال جدیدی‌های ترکستان که جناح ترقی خواهان را تشکیل داده بودند یک رشته از تقاضاهای سیاسی را مطرح کرده بودند از جمله: اصلاح بنیادی امور اداری در این سرزمین با توسعه و گسترش حقوق اهالی بومی، تخصیص کرسی به تعداد مورد نیاز در مجلس، تأمین آزادی‌های دموکراتیک و پیش از همه آزادی مطبوعات ملی و تغییر رژیم استبدادی با رژیم مشروطه، انقلاب دموکراتیک فوریه روسیه به جدیدی‌ها که امید داشتند پس از تشکیل نظام فدراتیو در ساختار دولتی روسیه به خودمختاری خواهند رسید نویدهایی بخشیده بود، در این دوره احزاب سیاسی ملی و سازمانهایی مانند «شورای اسلامیه» و «اتفاق» و غیره تأسیس گردید، در جریان انقلاب جدیدی‌ها توانستند اقبشار مختلف اهالی بومی را به

۱. فتودوراف: رپورتاژهای راجع به نهضت آزادی بخش ملی تاشکند ۱۹۲۵، ص ۴۸.



سوی خود بکشند و در ذهن آنها اعتماد به ضروری بودن و همبستگی و تحکیم وحدت مسلمانان را بیدار کنند. ولی جدیدی‌ها بزودی دریافتند که کمیته ترکستانی دولت موقت و خود دولت موقت روسیه مایل است در ترکستان از همان سیاست مستعمراتی سابق پیروی کند. این مطلب در دوران برگزاری تدابیر مقدماتی مجلس مؤسسان به روشنی آشکار گردید جدیدی‌ها دیگر دریافته بودند که فرصت مبارزه قطعی یعنی فرصت مبارزه حیات و ممان در راه استقلال و خودمختاری فرا رسیده است و سیستم مستعمره را شدیداً تحت انتقاد قرار داده و از نظریه قبلی خود که سلطنت مشروطه بود بکلی صرفنظر کرده و اعطای خودمختاری سرزمین و ملت در ترکیب جمهوری فدراتیو دموکراتیک روسیه را درخواست کردند. در سال ۱۹۱۷ روزنامه‌های کنگش «شورا» «توران» و بعدهم «ترک‌الی» نشریه فدرالیستهای ترکستان تحت شعار «یاشاسون قوشماخلق جموریتی» (زنده باد جمهوری مشترک مردم) انتشار یافت. در برنامه جدیدی‌ها بیشتر نحوه بنیاد عملی ساختن خودمختاری ملی و از جمله سازمان دادن به ارگانهای حاکمیت اداری و قضایی مطرح بود که بایستی در ترکستان به طور تام‌الاختیار فعالیت نماید یعنی در چارچوب اختیارات جمهوری فدراتیو ترکستان به تهیه و تدوین قوانین محلی و تشکیل ساختارهای دولت خود بپردازد. نظام جمهوری به عنوان شکل عمده اداری انتخاب شده بود تشکیل یک جامعه دموکراتیک که حقوق و آزادی دموکراتیک ارائه نموده و از طریق قانون اساسی تضمین گردد از اهداف اولیه بود.

ارائه این نظریه که کلیه ملتها و اقوام ترکستان در تمام رشته‌های زندگی اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و حقوقی و فرهنگی در برابر قانون مسئولیت یکسان دارند از جمله خدمات بی‌تردید و شایان تحسین آن سالها است. جالب اینجاست که جدیدی‌های ترکستان تحقق ایده‌های خود را جمع به استقلال دولت را مستلزم صلح و سازش بین نیروهای مختلف اجتماعی کشور و برگزاری مجلس مؤسسان روسیه می‌دانستند که بایستی براساس اصول دموکراتیک ترتیب یابد آنها در جهت کسب چندکرسی در مجلس مؤسسان تلاش زیادی بخرج دادند و حتی متحمل تجزیه نهضت خود به دو گروه شدند که ترقی خواهان در «شورای اسلامی» و گروه محافظه کار در سازمان «شورای علما» تمرکز یافت. ولی درک اهمیت اتحاد، آنها را وادار به متحد شدن و تشکیل حزب واحد «ترک آدمی مرکزی» یعنی حزب



تاریخ نهضت جدیدیه در ترکستان اوایل قرن بیستم

فدرالیستهای ترکستان نمود. ایده جدیدی‌ها تحقق در ساختن دولت پیشرفته و مترقی بود برای مبارزه با جمود فکری و محافظه کاری اهمیت مهم و اساسی قایل بودند. در راه رسیدن به این هدف آنها در ابتدا به جوانان ترقی خواه و تحصیل کرده اتکا می‌کردند چون با تاریخ ترقی کشورهای اروپایی آشنایی کامل داشتند در رساله‌های خود مکرر مثالهایی از تاریخ اروپا می‌زدند. آنها ضمن اینکه به فراگیری زبانها و توسعه علم و فن اهمیت زیادی قایل بودند در برنامه‌های خود آینده ترکستان را با توجه به خصوصیات و وضع قدیم و جدید آن بدین شکل برنامه‌ریزی کرده بودند، یک دولت آزاد و مستقل دارای حاکمیت سنتی متکی به اصول مصونیت مالکیت خصوصی، آزادی سرمایه و بانک و دولت بایستی با حفظ احترام به اسلام آزادی توسعه تمامی جنبه‌های فرهنگ را تأمین سازد و مسئله کشاورزی را حل و حضور در عرصه جهانی و همکاری اقتصادی با سایر کشورهای اروپایی و آسیایی را تأمین نماید. جدیدی‌ها آرزو داشتند که فرهنگ تا سطح جهانی ارتقاء یابد و بر این عقیده بودند جهت رسیدن به این هدف جوانان باید در بهترین آموزشگاههای اروپا تحصیل کنند.

ولی رویدادهای اکتبر سال ۱۹۱۷ در ترکستان و تصاحب قدرت از طرف بلشویکها اجازه نداد آرزوی آنها به‌طور کامل برآورده گردد؛ ولی به هرحال آنها با استفاده از بیانیه‌های دولت جدید بلشویکها در خصوص حق ملتها برای تعیین سرنوشت خود، تأسیس جمهوری خودمختار ترکستان با پایتختی در شهر خوقند را اعلام نمودند. تاریخ جمهوری که سه ماه تداوم داشت صفحات خونین تاریخ این منطقه است که تعقیب جدیدی‌ها را به دنبال داشت که عملاً در سال ۱۹۳۷ قتل عام شدند.

کنیه جناحهای نهضت جدیدیه آسیای میانه همگون نبود؛ چنانچه جدیدی‌های ترکستان حاکمیت بلشویکها را نمی‌پذیرفتند و در خوقند دولت دیگری بنیاد نمودند، جدیدی‌های بخارا و اگر دقیق‌تر بگوییم حزب جوانان بخارا که از سوی آن جناح پدید آمده بود جهت سرنگون ساختن امیر به کمک بلشویکها متوسل شدند. با این حال نه آن گروه نه این گروه ایده کمونیستی را نپذیرفتند. آن ایده‌ها برای جدیدی‌ها بیگانه بود چون که آنها بخوبی درک می‌کردند ایده‌های کمونیستها پاسخگوی آرمانها و سنتهای مردم نبود و آن عده که از ایدئولوژی موردنظر پیروی نکردند با آسیابهای رژیم توتالیتر استالین برخورد کردند.



تاریخ مختصر نهضت جدیدیه از این قرار بود. ارزش تمام نشدنی این نهضت در آن است که ایدئولوژی استقلال ملی را پایه‌گذاری کرده و شرق را بیدار ساخته و بنیاد آزادی و غرور ملی نیاکان و فرهنگ غنی و هر آنچه که رژیم مستعمراتی مجبور به فراموش کردن آن نموده بود بنا نهادند.

بدون شک خدمات ارزنده جدیدی‌ها در آن است که آنها اصول اصلاح تدریجی حل وظایف مبهم اجتماعی را تدوین کردند و این انتخاب راه فوق‌العاده مؤثر ساختارهای سازمانی و عملی در جهت لغو رژیم مستعمراتی از طرف آنها بود ایده‌های عمده آنها مقدمه معنوی تحولات عملی کنونی و زیربنایی ژنتیک استراتژی و اجرای اصلاحات گسترده بود. بررسی و مطالعه در تاریخ تحولات آسیای مرکزی پس از فروپاشی نظام اتحاد جماهیر شوروی سابق از ضرورت‌های تحقیقاتی مراکز مطالعاتی می‌باشد. این ضرورت از بین نظر اهمیت ویژه‌ای می‌یابد که کشورهای تازه به استقلال رسیده در آسیای مرکزی هویت قدیمی و کهن خود را باز می‌یابند و مطالعه تحولات سیاسی و اجتماعی یک‌صدسال اخیر به منظور عاملی برای بازگشت به خویشتن و آشنایی با هویت ملی و تاریخی خود از سوی این کشورها می‌باشد. در این میان بررسی نهضت جدیدیه که در اوایل قرن بیستم نقش بسزایی در وقایع و حوادث اجتماعی، سیاسی و فرهنگ آسیای مرکزی داشته است بسیار مهم است. عوامل بروز و ظهور این نهضت و شخصیت‌های علمی و دینی که از سردمداران آن به شمار می‌رفتند چه کسانی بودند و چه ویژگی‌ها و وابستگی‌هایی داشتند و سرنوشت آنها چه شد و چرا اکنون در جوامع روشنفکری مطرح می‌شوند. اینها نمونه‌ای از سؤالاتی است که محقق را به دست یافتن به آن وا می‌دارد.

با مطالعه تحولات اجتماعی آن دوران این طور می‌توان یافت که مردم بر اثر ظلم و ستم حکام محلی و وابسته به روسیه تزاری به ستوه آمده بودند.

مشکلات اقتصادی و هرج و مرج سیاسی و عدم وجود یک دولت قوی مقتدر که عدالت اجتماعی را سرلوحه خود قرار دهد فقر و بیسوادی از یک طرف و ایجاد ارتباطات روزافزون با دنیای غرب، پیشرفت و توسعه اقتصادی، صنعتی اروپا و وجود نظام‌های مبتنی بر احترام به حقوق شهروندان و وجود پارلمان و عوامل متعدد دیگری در دنیای غرب زمینه‌ساز تحولات اجتماعی در این دوران بود.

از سویی با توجه به اشتراکات فرهنگی اقوام ایرانی این منطقه و ارتباط تنگاتنگ فرهنگی مانند زبان و مذهب با کشور ایران و از سوی دیگر تحولات اجتماعی ایران در این دوران که منجر به بروز نهضت مشروطه و ایجاد تحولات جدید در جامعه ایرانی گشت جوامع آسیای مرکزی را تحت تأثیر خود قرار داد. تقارن این وقایع در یک برهه تاریخی به هم پیوسته را می‌توان ناشی از این تأثیرپذیری دانست؛ ولی آنچه که روشنفکران ایرانی را از روشنفکران نهضت جدیدیه متمایز می‌کند وجود جنبه‌های دینی روشنفکران نهضت جدیدیه است زیرا آنها تحولات اجتماعی را با تحول در اندیشه دینی منطبق با شرایط و ضروریات زمان امری بدیهی می‌دانستند و حال آنکه روشنفکران فرهنگی مآب تاریخ مشروطه ما برای دین نقش ثانوی قایل بوده و بعضاً آن را عامل انحطاط و عقب‌ماندگی جامعه ایرانی می‌دانستند.

اگر مسئله الگوپذیری کشورهای آسیای مرکزی را از ایران و ترکیه آن روز بپذیریم، چنانچه رژیم بلشویکی قدرت را در دست نمی‌گرفت و حکومت سراسری اتحاد جماهیر شوروی را پایه‌ریزی نمی‌کرد تفکرات جدیدیه به نوعی رفورمیسم ملی‌گرایانه منجر می‌گردید زیرا همین تحولات در ایران آن زمان (رضاشاه) و ترکیه (آتاتورک) بوقوع پیوست؛ ولی ظهور قدرت بلشویکها و مبارزه جدی آنها با هرگونه نهضت و جنبش ملی و آزادی‌خواهانه و سرکوبی وحشیانه آن طومار تفکرات جدیدیه را درهم پیچید. ذکر این نکته ضروری است که پس از فروپاشی شوروی سابق در جوامع روشنفکری تفکرات جدیدیه دوباره مطرح می‌گردد. شاید سیاست‌گریز از تمرکزگرایی روسیه و گرایش به غرب جهت دستیابی به آزادی و دموکراسی و مهم‌تر از همه تکنولوژی، علم را مهمترین علت قابل توجیه این امر دانست. مضافاً اینکه با ایجاد فاصله هفتاد ساله بین مردم با ارزشهای مذهبی نقش مذهب کم‌رنگ‌تر شده است.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی